

جنگ
از دیدگاه
قرآن کریم



محمد تقی مصباح

(۲)

در قسمت اول این نوشته جنگ را از نقطه نظر جهان بینی و فلسفی، مورد بحث قرار دادیم و نکاتی را پیرامون مسائل تکوینی جنگ از دیدگاه قرآن کریم بیان کردیم. و در این قسمت به بررسی مسائل ارزشی و تشریحی جنگ می پردازیم و کانال ارتباط بین این دو بخش را بحث کوتاهی پیرامون رابطه تکوین با تشریح قرار می دهیم:

رابطه تکوین با تشریح

می دانیم که احکام و قوانین اسلام - اعم از فردی و اجتماعی - تابع مصالح و مفاسد واقعی و نفس الامری است یعنی اگر کاری دارای مصلحت لازم الاستیغائی باشد، مورد امر ایجابی قرار می گیرد و اگر دارای مفسده لازم الاجتنابی باشد، مورد نهی تحریمی واقع می شود و گرنه بحسب مراتب مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت، دارای احکام مستحب و مکروه و مباح خواهد بود و اگر کاری، هم دارای مصلحت و هم دارای مفسده باشد، چنانچه حاصل جمع جبری آنها مصلحت لازم الاستیفاء باشد واجب و اگر مفسده لازم الاجتناب باشد حرام، و در غیر این دو صورت به موضوعات

مستحب و مکروه و مباح ملحق خواهد شد.

و چون یافتن فرمول دقیق مصالح و مفاسد کارها - مخصوصاً با توجه به آثار معنوی و اخروی آنها - غالباً میسر نیست از این روی حکمت الهی اقتضاء کرده است که پیامبرانی را مبعوث فرماید و احکام دینی را که مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی است از طریق وحی برای مردم بیان کند. و در واقع چون تکامل اختیاری انسانها - که یکی از ارکان نظام احسن آفرینش میباشد - متوقف بر دستگاہ تشریح است، خدای متعال، نظامی تشریحی را برقرار فرموده است و چنان نیست که نظام ارزشها و احکام و قوانین به کلی بیگانه از نظام واقعیه‌های هستی باشد، بلکه رابطه‌ای ناگسستی میان آنها برقرار است و توضیح این رابطه را باید در مباحث فلسفی مربوطه جستجو کرد.

بنابراین، احکام و مقررات جنگ نیز باید بر اساس مصالح و مفاسد و تأثیرات مثبت و منفی آن در نظام احسن، و به دیگر سخن: بر اساس رابطه آن با هدف آفرینش انسان تشریح شود نه اینکه صرفاً تابع تمایلات و آراء انسانها یا اصول وضعی و قراردادی باشد. و به همین جهت اگر تمایلات جامعه برخلاف مقتضیات نظام احسن و هدف آفرینش باشد و حتی اگر قراردادهای عمومی و بین‌المللی برطبق چنین تمایلاتی منعقد شود، از دیدگاه اسلامی ارزش نخواهد داشت و این یکی از نقاط اصلی اختلاف بین فلسفه حقوق اسلامی با سایر مکاتب به شمار می‌رود.

حکمت تشریح جنگ

تردیدی نیست که جنگ - مخصوصاً با توجه به ضایعات و تلفات و ویرانیه‌ها و نابسامانیهایی که به همراه دارد - برای هیچ شخص عاقلی مطلوبیت ذاتی ندارد بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به اهدافی است که انتظار تحقق آنها از راه جنگ می‌رود و نیل به آنها معمولاً جز از راه جنگ میسر نیست. بنابراین مشروعیت یا عدم مشروعیت جنگ تابع هدف از برپائی آن است.

از این روی، همه عقلاء، جنگی را که به منظور دفاع از حقوق جامعه‌ای باشد، روا می‌دانند هر چند در تعیین این حقوق کمابیش اختلاف نظرهایی وجود دارد و دفاع از حقوق جانی و مالی بخصوص حقوق ارضی و وطن مردم، مورد اتفاق همگان است و دفاع از حقوق عرضی و ناموسی را هم می‌توان بر آنها افزود. همچنین دفاع از حقوق سیاسی و حاکمیت ملی و استقلال کشور در برابر دشمن متجاوز خارجی در

عرف بین المللی مورد قبول است.

اما در مورد جنگهای داخلی و قیام گروهی از مردم برای تجزیه کشور و کسب خودمختاری و استقلال از حکومت مرکزی یا ملحق شدن به کشوری دیگر، مبنای روشنی وجود ندارد و در صورتی که چنین حرکتی در جهت منافع قدرتهای بزرگ باشد از طرف آنها به عنوان حمایت از حقوق بشر عملاً مورد تأیید قرار می گیرد، چنانکه در صورت عکس به عنوان شورش برضد دولت قانونی، محکوم می گردد. ولی از دیدگاه اسلام، این حرکت براساس موازین حق و عدالت ارزشیابی می شود و نظریه اینکه مشروعیت دولت مرکزی منوط به رعایت اصول عدالت درباره همه شهروندان است، مبارزه با چنین دولتی ناروا است اما اگر دولت مرکزی ستمگر و دست نشانده بیگانگان باشد قیام مردم برای نجات از ستم وی و حامیان بیگانه اش، کاری صحیح بلکه مقدس، ارزیابی می شود و حتی کمک و حمایت مردم آزاده و حق خواه جهان از چنین مردمی روا و شایسته است و نمی توان آن را به عنوان دخالت در امور داخلی دیگران محکوم کرد.

ولی اختلاف نظر بین نظام ارزشی اسلام با نظام ارزشی رایج در دنیا - که مورد حمایت قدرتهای بزرگ است - منحصر به این امر نیست بلکه دست کم به دو موضوع دیگر نیز می توان اشاره کرد:

الف- حقوقی که مورد تجاوز قرار می گیرد و دفاع از آنها مجوز جنگ می شود، منحصر به حقوق بیاد شده نیست، بلکه شامل حقوق دینی و فرهنگی نیز می گردد بلکه حقوق دینی از همه مهمتر است. بنابراین اگر دین الهی از طرف ملحدان و دشمنان خدا - اعم از داخلی و خارجی - مورد تهدید قرار گیرد بر مستدینین لازم است که با تمام توان قیام کنند و جلو خطر را بگیرند، هر چند با فدا کردن جانها و اموال فراوانی باشد.

ب- غیر از حقوق انسانی که مبنای قوانین بین المللی قرار می گیرد، حق بالاتر و والاتری وجود دارد که به یک معنی اساس همه حقوق به شمار می رود و آن حق خدا بر انسانهاست که تنها او را بپرستند و احکام و قوانین او را اجرا نمایند و در صورتی که حکومتی ولو در داخل مرزهای خود، راه خداشناسی و خداپرستی را بر روی مردم ببندد، مستحق مبارزه و سرنگونی خواهد بود چه رسد به اینکه بخواهد این حق الهی را در خارج از مرزهای کشورش مورد تجاوز قرار دهد. و براین اساس است که جهاد اسلامی منحصر به دفاع از حقوق ملت های مسلمان نمی شود و در فقه اسلام، جهاد

ابتدائی با سردمداران شرک و کفر، به منظور رفع مانع از هدایت توده‌های مردم و بازکردن راه خداپرستی و احقاق حق الهی (پرستش و اطاعت خدا) پیش‌بینی شده و در فقه شیعه جواز آن در زمان حضور امام معصوم، مورد اتفاق می‌باشد و آیه: **فَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ** دیدگاه اسلام در این زمینه هاست.

اهداف جنگهای مشروع

با توجه به آنچه درباره حکمت تشریح جنگ گفته شد، روشن می‌شود که جنگی مشروع و به اصطلاح قرآن، جهاد فی سبیل الله است که برای تحقق بخشیدن به چنین اهدافی انجام گیرد:

- ۱- دفاع از جان مردم ؛
- ۲- دفاع از عرض و ناموس مردم ؛
- ۳- دفاع از اراضی و اموال و استقلال اقتصادی ؛
- ۴- دفاع از عزت و استقلال سیاسی ؛
- ۵- دفاع از دین حق و مقدسات دینی ؛
- ۶- حمایت از مظلومان و محرومان مناطق دیگری که تحت فشار ستمگران و دشمنان خدا قرار گرفته‌اند ؛
- ۷- احقاق حق الهی و برداشتن موانع از سر راه هدایت توده‌های ناآگاه.

نکته‌ای را که باید در اینجا خاطر نشان کنیم این است که: تجاوز به هریک از حقوق انسانی و به حق الهی، گاهی بی‌پرده و بطور مستقیم انجام می‌گیرد چنانکه کسانی با لشکرکشی علنی، به جان و مال مردمی، تجاوز کنند و گاهی با توطئه چینی و اجراء برنامه‌های تبلیغاتی و تعلیماتی مسموم و استفاده از مزدوران و دست نشانده‌گان و ایجاد اختلافات داخلی و... که همگی آنها تحت عنوان فتنه مندرج شده و امروزه بوسیله استعمارگران به کار گرفته می‌شود.

نکته دیگر آنکه: جنگ مشروعی که برای تأمین اهداف نامبرده انجام می‌گیرد گاهی با دشمنان و تجاوزگران خارجی است و گاهی با گروههای منحرف داخلی که به انگیزه دستیابی به منافع اقتصادی یا کسب قدرت سیاسی نامشروع و احياناً با کمک گرفتن از بیگانگان و سرسپردن به آنان، و در نهایت برای تأمین منافع

.....

اقتصادی و سیاسی دشمنان، به حقوق مردم خودشان تجاوز می کنند.
نکته سوم آنکه: همه این جنگها در صورتی روا و شایسته است که تأمین
اهداف نامبرده از راههای مسالمت آمیز، میسر نباشد و حجت بر دشمن تمام شده باشد،
آن هم با رعایت احکام و ضوابطی که در فقه اسلام بیان شده است.

جنگ در شرایع پیشین

از قرآن کریم استفاده می شود که جهاد در شرایع پیشین مشروع بوده و مکرراً
به رهبری انبیاء الهی واقع شده است:

وَ كَاتِبِينَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا
اشْتَكَاوْا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ - وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا مَا أَسْرَفْنَا فِي أَعْرَابِنَا
وَتَبِّتْ أقدَانَنَا وَأَنْصِرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ - فَأَنذَرْتَهُمُ اللَّهُ نَوَابِ الدُّنْيَا وَحَسَنَّ نَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ
يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.^۲

بسا پیامبری که مردمان بسیاری از خداپرستان به همراهی وی به کارزار پرداختند و از آنچه (از
سختیها) در راه خدا به ایشان رسید، سست و زبون نشدند و خدای متعال شکیبایان را دوست
می دارد - گفتار آنان جز این نبود که پروردگارا گشاهان و زیاده روی ما را بیامرز و گامهای ما را
استوار دار و بر مردم کافر پیروزمان فرمای - خدای متعال به ایشان پاداش این جهانی و پاداش نیک
آن جهانی عطا فرمود و خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

علاوه بر این آیات - که بطور کلی از وقوع جنگهای مقدس فراوانی در امتهای
پیشین خبر می دهد - قرآن کریم کیفیت وقوع یک جنگ دفاعی گروهی از بنی
اسرائیل را به فرماندهی طالوت^۳ شرح داده است و حاوی نکات آموزنده زیادی است.
همچنین به صدور دستور جهاد برای قوم موسی (ع) و سر پیچی ایشان از این فرمان و به
عقوبتی که در اثر این تخلف دامن گیر آنان شد اشاره می فرماید.^۴ و نیز به تهدید ملکه
سبأ به جنگ، از طرف حضرت سلیمان (ع) اشاره می کند که تسلیم شدن وی، مانع از
وقوع آن گردید و دلالت بر جواز چنین جنگی در صورتی که ملکه سبأ تسلیم نمی شد
دارد.^۵

۲- سوره آل عمران / ۱۴۸-۱۴۶.

۳- سوره بقره / ۲۵۱-۲۴۶.

۴- سوره مائده / ۲۶-۲۰.

۵- سوره نمل / ۴۴-۲۰.

کیفیت تشریح جهاد در اسلام

می دانیم که پیامبر اکرم (ص) از هنگام بعثت تا مدت سیزده سال همچنان در زادگاه خود (شهر مکه) اقامت داشتند و با اینکه تدریجاً بر پیروانشان افزوده می شد، هیچگاه از شدت فشار مشرکان بر مسلمانان کاسته نشد تا آنجا که گروهی از ایشان به سرپرستی جعفر بن ابی طالب به حبشه، مهاجرت کردند و سپس خود آن حضرت مخفیانه به یثرب (مدینه فعلی) رفتند و تدریجاً سایر مسلمانان نیز از مکه هجرت کردند و در مدینه بود که جامعه اسلامی شکل گرفت و شمار و توان مسلمانان بصورت چشمگیری افزایش یافت و کم کم به حد نصاب لازم برای دفاع از حقوقشان رسیدند و در چنین موقعیتی بود که آیات (۳۸-۴۱) از سوره حج نازل شد و جهاد تشریح گردید:

اِذْنًا لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...

اجازه (جنگ با دشمنان) به جنگجویان اسلام داده شد زیرا آنان از دشمن ستم کشیدند. قبل از نزول این آیات، گروهی از مسلمانان اجازه جنگ با مشرکان ستمگر را می خواستند ولی چون توش و توان لازم را نداشتند مأمور به خویشن داری و خودسازی و سازماندهی جامعه اسلامی می شدند چنانکه می فرماید:

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ قَبِلَ لَهُمْ كُفُوًا اٰتٰیٰتِكُمْ وَاَقْبَمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوْا الزَّكٰوةَ...^۶

آیا نمی نگری به کسانی که (گفتند بما اجازه جنگ بده و) به آنان گفته شد (اکنون از جنگ خودداری کرده و نماز بر پا داشته و زکات پرداخت کنید). تا هنگامی که شرایط لازم برای جنگ فراهم نشو فرمان جهاد از سوی خدای متعال صادر گردید.

از این پس جنگهای زیادی بین مسلمانان از یکسو و مشرکان و منافقان و یهودیان، از سوی دیگر واقع شد که تا پایان عمر پیامبر اکرم (ص) ادامه یافت و در سوره های: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، احزاب، فتح، محمد (ص)، حدید، حشر، صف، العادیات و... به آنها اشاره شده و نام جنگهای بدر و خنین و احزاب (خندق) صریحاً به میان آمده است و بررسی همه این آیات - که با احتساب مطالب جنبی - متجاوز از سیصد آیه میباشد درخور کتاب مستقلی است و ما از میان همه مطالبی که در این آیات مطرح شده به بیان دو موضوع که از اهمیت ویژه ای

.....
۶- سوره نساء / ۷۷.

برخوردار است می پردازیم: یکی روش و شیوه‌ای که قرآن کریم برای تربیت مجاهدین فی سبیل الله بکار گرفته، و دیگری شرایطی که برای پیروزی در جنگ به آنها اشاره کرده است.

روش قرآن در تربیت جهادگران

از آنجا که هدف آفرینش انسان این است که راه تکامل حقیقی و تقرب به خدای متعال را آگاهانه و آزادانه برگزیند و نظام تشریحی اسلام هم برای تحقق بخشیدن به همین هدف، پی ریزی شده و نیز هدف نهانی از جهاد اسلامی، فراهم شدن زمینه گسترده برای پرورش انسانهایی متعالی و رشد و تکامل معنوی هر چه بیشتر افراد و رفع موانع از حرکت تکاملی همگان میباشد، طبیعی است که روش اسلام در مورد تربیت و آماده سازی افراد برای شرکت در جهاد هم از همین اصل، مایه بگیرد و شیوه‌ای انتخاب شود که مشارکت افراد در جهاد فی سبیل الله، موجب تکامل خود ایشان باشد. کارآئی چنین شیوه‌ای به معنای موفقیت اسلام به عنوان یک مکتب انسان ساز خواهد بود و حتی اگر پیروزی ظاهری در جنگ هم حاصل نمی شد تربیت افرادی که حاضر شوند جان و مال و هستی خود را فدای راه خدا کنند پیروزی بزرگی برای این مکتب به شمار می رفت.

به همین دلیل است که اصل اولی در برنامه های عملی و روشهای تربیتی اسلام، دادن شناختها و آگاهیهای صحیح و تقویت انگیزه های متعالی است نه بکارگیری اهرمهای فشار بگونه ای که راه انتخاب آزادانه و آگاهانه را مسدود سازد و مردم جبراً به سوئی کشیده شوند.

بنابراین کمال مطلوب این است که افراد جامعه بگونه ای تربیت شوند که با انگیزه عشق الهی و جلب رضایت پروردگار، همه وظایف و تکالیف دینی و از جمله جهاد در راه خدا را انجام دهند، ولی از آنجا که استعدادها و شرایط تربیتی افراد مختلف و در نتیجه، مراتب معرفت و ایمان ایشان متفاوت است، اهداف و ارزشهای نازلتری نیز مطرح می شود تا کسانی که بدان پایه از معرفت و ایمان و اخلاص نرسیده اند و غالباً اکثریت جامعه را تشکیل میدهند، از تعلیم و تربیت اسلام، بی بهره نمانند و از رسیدن به مراتب نازلتر کمال که متناسب با درجه فهم و استعداد و همت و ایمانشان است محروم نگردند. و حکمت تأکید قرآن کریم بر نعمتهای بهشتی و تحذیر از عذابهای اخروی و حتی نوید پیروزیها و رسیدن به نعمتهای دنیوی و انذار از

محرومیتها و بدبختیهای مادی در کنار مرزده به رضوان و قرب الهی همین است که اکثریت جامعه که از نظر اندیشه و شناخت و از نظر پایه و دل‌بستگی به ارزشهای والا در مراتب متوسطی هستند، از تکامل نسبی برخوردار شوند.

اینک با رعایت اختصار به ذکر انواعی از روشهای تربیتی قرآن در زمینه تربیت جهادگران می‌پردازیم و هرچند می‌توان همه آنها را تحت عنوان کلی ایجاد انگیزه‌های مثبت و مبارزه با انگیزه‌های منفی خلاصه کرد یا تحت عنوان تبشیر و انذار دادن آگاهیهای مفید، دسته‌بندی نمود ولی با توجه به تفاوت لحن آیات، عناوین جزئی تری را انتخاب خواهیم کرد.

* ۱- نخستین شیوه قرآن در این زمینه، بشارت دادن جهادگران به رحمت و مغفرت و محبت و رضوان الهی و رسیدن به پاداش ابدی و سعادت جاودانی است که در آیات فراوانی بکار گرفته شده و از جمله آنها این آیات است: سوره نساء (۷۴ و ۹۵ و ۹۶)، سوره توبه (۱۹ و ۲۲ و ۸۹)، سوره مائده (۵۴) و سوره صف (۴).

* ۲- شیوه مشابه آن این است که جهاد را معامله با خدای متعال دانسته و در ازاء مال و جان مؤمنین، بهشت برین و رهائی از عذاب سخت را برای ایشان تضمین کرده است، مانند آیات (۱۱۱) از سوره توبه و (۱۰-۱۲) از سوره صف.

* ۳- شیوه مشابه دیگر این است که جهاد را معاوضه کردن زندگی زودگذر دنیا با زندگی جاودانی و بی‌رنج آخرت معرفی کرده است مانند آیات (۷۴) و (۷۷) از سوره نساء.

* ۴- اسلوب دیگر وعده پیروزی و سرافرازی و بهره‌مندی از نعمتهای دنیوی است که در آیات (۲۰) و (۲۷) از سوره فتح و (۱۳) از سوره صفت به جهادگران داده شده است، مخصوصاً با توجه به این نکته که پیروزی مؤمنان در گرو برابری یا برتری نیروی انسانی و امکانات نظامی ایشان نیست زیرا:

كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ^۷

* ۵- مشابه آن، وعده جبران خسارت مالی است که در آیه (۲۸) از سوره توبه آمده است.

* ۶- اسلوب دیگر مقایسه جهادگران در راه خدا با جنگجویان کافر است که در تحتل سختیهای جنگ شریکند ولی سعادت ابدی، اختصاص به مجاهدین فی

.....

۷- بقره / ۲۴۹.

سبیل الله دارد مانند آیه (۱۴۰) از سوره آل عمران و (۱۰۴) از سوره نساء.
* ۷- مشابه آن، تأکید بر این نکته است که مجاهدین فی سبیل الله حتی در صورت شکست ظاهری، کامیابند و دشمنانشان حتی در صورت پیروزی ظاهری، ناکامند چنانکه در آیه (۵۲) از سوره توبه آمده است.

* ۸- روش دیگر توجه دادن به این نکته است که ترک جهاد و پرداختن هزینه آن موجب محرومیت و زیان عظیمی برای خود افراد است چنانکه در آیات (۱۹۵) بقره و (۳۸) توبه و (۵۴) مائده و (۳۸) از سوره محمد (ص) به آن اشاره شده است.

* ۹- اسلوب دیگر، تهدید سر پیچی کنندگان از فرمان جهاد، به مجازات الهی است مانند آیه (۲۴) و آیه (۳۹) از سوره توبه.

* ۱۰- شیوه دیگر، برانگیختن غریزه دفاع و انتقام از متجاوز است که در آیاتی مانند بقره (۲۱۰) و توبه (۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۲۳) و حج (۳۹-۴۰) بکار گرفته شده است.

* ۱۱- مشابه آن، تحریک عاطفه حمایت از مظلومین است که در آیه (۷۵) از سوره نساء مورد استفاده واقع شده است.

* ۱۲- شیوه دیگر، توجه دادن به نقش عظیمی است که جهاد در تحقق بخشیدن به هدف الهی از آفرینش و تدبیر انسان- یعنی برقراری نظام عادلانه توحیدی- دارد و از این روی دارای والا ترین ارزشها خواهد بود. این شیوه که می تواند تأثیر فراوانی در افراد با معرفت و بلند همت داشته باشد، بطور ضمنی در آیات (۱۹۳) از سوره بقره و (۳۹) از سوره انفال، مورد استفاده واقع شده است و آیات بشارت به پیروزی نهائی مؤمنان و صالحان و جند الله را نیز می توان در این دسته مندرج ساخت، چنانکه می توان آنها را جزء دسته چهارم بحساب آورد مانند آیات: انبیاء (۱۰۵)، صافات (۱۷۳-۱۷۱)، مجادله (۲۱)، توبه (۳۳)، فتح (۲۸)، و صق (۹).

* ۱۳- اسلوب دیگر، توجه دادن به این نکته لطیف و پرمعنی است که انسان با شرکت در جهاد، خود را مجرای اراده الهی در تدبیر و اصلاح جامعه قرار می دهد و کارش کار خدائی می گردد بگونه ای که انتساب آن به خدای متعال بیش از انتساب آن به خود او خواهد بود چنانکه در آیه (۱۴) از سوره توبه می فرماید:

فَاتْلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ.

با آنان بجنگید که خدا آنها را بدست شما عذاب دهد.

و در آیه (۱۷) از سوره انفال می فرماید:

قَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ.

شما آنها را نکشتید بلکه خدا آنان را کشت.

• ۱۴- شیوه‌ای است که قرآن کریم برای از بین بردن انگیزه‌های منفی مانند ترس از مرگ و زیانهای اقتصادی و سایر نابسامانیهای جنگ بکار گرفته و بر این نکته تأکید کرده است که مرگ و میر و همه حوادث و مصائب جهان بر طبق تدبیر و تقدیر حکیمانه الهی واقع می شود و فرار از مرگ و ابتلاعات، سودی ندارد مانند این آیات: آل عمران (۱۴۵ و ۱۵۴ و ۱۵۶ و ۱۶۶)، نساء (۷۸)، توبه (۵۱)، حدید (۲۲-۲۳) و تغابن (۱۱).

• ۱۵- شیوه دیگری تأکید بر این مطلب است که اساساً شهداء در راه خدا زنده و در جوار الهی منتقم اند و حتی نباید نام مرده، برایشان نهاد: بقره (۱۵۴) و آل عمران (۱۶۹-۱۷۱).

• ۱۶- و سرانجام وعده امدادهای الهی به جهادگران در راه خداست که در صورتی که با انگیزه صحیح الهی بجنگند و تمام نیرو و توان خود را بکار بگیرند ولی در اثر کمبود نیروی انسانی یا نارسائی ساز و برگ نظامی یا توطئه‌های مخفی دشمن، مشرف به شکست شوند، مشمول چنین کمکهای غیبی خواهند شد. و نظر به اهمیتی که این آیات دارد آنها را جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

امدادهای الهی

قرآن کریم تنها به وعده دادن مؤمنان به امدادهای خاص الهی بسنده نکرده، بلکه موارد متعددی از آنها را گوشزد کرده است که می توان این موارد را به دو دسته کلی (امدادهای درونی و امدادهای بیرونی) تقسیم کرد و هر یک از آنها دارای اقسام خاصی می باشد:

- ۱- تقویت روحی و روانی مؤمنان و به تعبیر قرآن کریم انزال سکینه در قلوب آنان، چنانکه در این آیات آمده است: توبه (۲۶ و ۴۰) و فتح (۴، ۱۸، ۲۶).
- ۲- کم نشان دادن تعداد مؤمنان و کافران در چشم یکدیگر تا کافران از میدان نبرد نگریزند و یا تمام نیروها و توان خود را بکار نگیرند و مؤمنان از کثرت آنها نهراسند، چنانکه در آیات (۴۳-۴۴) از سوره انفال آمده است.
- ۳- تضعیف روحیه کافران و به تعبیر قرآن القاء رعب در قلوب آنان که در

این آیات یادآوری شده است: آل عمران (۱۵۱)، انفال (۱۲)، احزاب (۲۶)، حشر (۲).

اینها اقسام امدادهای روانی و درونی بود و اینک به ذکر اقسام امدادهای بیرونی می پردازیم:

□ ۴- تدبیر جریان حوادث طبیعی بگونه ای که به نفع مؤمنان باشد مانند بارش باران در جنگ بدر که از یک سوی، موجب نشاط رزم آوران اسلام و از سوی دیگر موجب گل شدن زمین زیر پای کافران که در موضع خاکی و نرمی قرار داشتند گردید و مانع سرعت حرکت آنان شد چنانکه در آیه (۱۱۱) از سوره انفال اشاره شده است. نمونه دیگر از این قسم امداد، وزش باد شدیدی بود که در آیه (۱۹) از سوره احزاب یادآوری شده است.

□ ۵- فرستادن فرشتگان و نیروهای نامرئی به کمک مؤمنان که در این آیات ذکر شده است: آل عمران (۱۲۴-۱۲۷)، انفال (۹ و ۱۲)، احزاب (۹).

اسباب و شرایط پیروزی در جنگ

اسباب و شرایطی که برای پیروزی مسلمانان در جنگ، از قرآن کریم استفاده می شود از این قرار است:

□ ۱- متناسب بودن شماره رزمندگان با شماره دشمن، البته اعتبار این شرط برای همگان روشن است ولی قرآن کریم برابری یا برتری نیروهای اسلام را از نظر تعداد، شرط ندانسته و نصف شماره دشمن را برای ایشان کافی دانسته بلکه در مواردی کفایت نسبت یکدهم را اعلام داشته است، این مطلب از آیات (۶۵-۶۶) از سوره انفال استفاده می شود.

□ ۲- تأمین هزینه جنگ، همه مسلمانان موظفند به فراخور توانائیشان در تأمین هزینه جنگ مشارکت نمایند و اگر حضور آنها در جبهه، میسر یا ضروری نباشد از جهاد مالی خودداری نکنند. این مطلب از آیات: بقره (۱۹۵)، انفال (۶۰) و محمد (ص) (۲۸) بدست می آید.

□ ۳- تهیه ساز و برگ جنگی و وسایل نظامی متناسب با وسایل دشمن و حتی برتر از آن، چنانکه در آیه (۶۰) از سوره انفال توصیه شده است (أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَظَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...).

□ ۴- حفظ وحدت و انضباط نظامی و اطاعت از مقام فرماندهی و جلوگیری از

مشاجرات تفرقه انگیز که در آیه (۴۶) از سوره انفال مورد تأکید واقع شده است.
* ۵- بکار گرفتن فنون نظامی مناسب و احتراز از سهل انگاری و حرکات بی برنامه، این مطلب از آیه (۷۱) از سوره نساء استفاده می شود.

* ۶- هشیار بودن در برابر نقشه ها و شگردهای دشمن و از جمله آنکه فریب پیشنهاد صلح خدعه آمیز دشمن را نخورند و با وجود مساعد بودن شرایط برای جنگیدن، پیشنهاد صلح ندهند این مطلب از آیه (۵۸) از سوره انفال و آیه (۳۵) از سوره محمد(ص) بدست می آید.

* ۷- بالا بردن سطح آگاهی و معرفت رزمندگان و تقویت انگیزه های متعالی در ایشان که تأثیر بسزائی در پیروزی دارد و حتی جبران کمبود نیروی انسانی را می کند چنانکه از ذیل آیه (۶۵) از سوره انفال استفاده می شود.

* ۸- تقویت روح تقوی و اطاعت از خدای متعال و پرهیز از گناهان و هواهای نفسانی، مخصوصاً در اموری که به نحوی ارتباط با مسائل جنگی پیدا می کند.

* ۹- داشتن صبر و استقامت و احتراز از سستی و راحت طلبی، این دو شرط (۸-۹) از آیه (۱۲۵) از سوره آل عمران و آیات (۶۵-۶۶) از سوره انفال استفاده می شود.

* ۱۰- توکل و اعتماد بر خدای متعال و مغرور نشدن به نیروهای انسانی و امکانات مادی و تجهیزات نظامی و متقابلاً اعتماد بر اسباب ظاهری یکی از اسباب شکست مؤمنان به شمار می رود چنانکه در آیه (۵) از سوره توبه اشاره شده است.

* ۱۱- مداومت بر یاد خدا با قلب و زبان، چنانکه در آیه (۴۵) از سوره انفال توصیه شده است.

* ۱۲- دعا و استغاثه به درگاه الهی که در آیه (۱۴۷) از سوره آل عمران و آیه (۹) از سوره انفال اشاره شده است.

با رعایت کامل این شرایط است که سپاه اسلام، استحقاق پیروزی و نصرت الهی را پیدا می کند و در صورتی که اسباب ظاهری برای پیروزی فراهم نباشد خدای متعال بوسیله اسباب غیبی آنان را مدد خواهد کرد.

پایان

